

«پیروی از عیسی می تواند تصمیم دشواری باشد

متی ۱۰، ۳۴-۳۹

گمان مبرید که آمده‌ام تا صلح به زمین بیاورم. نیامده‌ام تا صلح بیاورم، بلکه تا شمشیر بیاورم! 35 زیرا آمده‌ام تا: «پسر را بر پدر، دختر را بر مادر و عروس را بر مادرشوهرش برانگیزانم. 36 دشمنان شخص، اهل خانه خودش خواهند بود.» 37 هر که پدر یا مادر خود را بیش از من دوست بدارد، شایسته من نباشد؛ و هر که پسر یا دختر خود را بیش از من دوست بدارد، شایسته من نباشد. 38 هر که صلیب خود را برنگیرد و از پی من نیاید، شایسته من نباشد. 39 هر که بخواهد جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد و هر که جان خود را به‌خاطر من از دست بدهد، آن را حفظ خواهد کرد.



اکثر مسلمانانی که به دین مسیحیت می‌گرایند، می‌گویند که دلیل آن انتخاب این است که مسیحیت برخلاف اسلام دین صلح است. در واقع نمی‌توان هیچ‌گونه جاه‌طلبی سیاسی، فتنه‌سازی یا حتی استراتژی نظامی را از جانب عیسی کشف کرد تا بتواند جهان را با چنین وسایلی تحت تسلط خود درآورد. و به همین دلیل است که عیسی از کار شاگرد خود پطرس جلوگیری کرد، هنگامی که شمشیر خود را بر سربازان رومی کشید. و با این حال عیسی در متن امروز می‌گوید که او نیامده است تا صلح به زمین بیاورد، بلکه تا شمشیر بیاورد. بنابراین سوال جدی این است کلمه "شمشیر" در اینجا به معنی چیست؟ ... در زبان قدیمی، شمشیر می‌تواند هم شمشیر فیزیکی باشد که فرد در جنگ استفاده می‌کرد و هم جدایی بین دو نقطه مقابل. به این دلیل منظور عیسی معنای دوم است: وقتی گفت: "نیامده‌ام تا صلح بیاورم، بلکه تا شمشیر بیاورم" عیسی می‌خواهد به ما نشان دهد که یک مسیحی در تضاد شدید با جهان و شیطان است. و بنابراین او می‌خواهد تایید کند که مسیحی شدن یا مسیحی ماندن موارد سبکسازانه‌ای نیستند. بر عکس مسیحی شدن اعلام جنگ علیه شیطان است. و این می‌تواند صدمه بزند! در جمله بعدی روشن می‌شود که منظور عیسی چیست. زیرا عیسی در مورد این واقعیت صحبت کرد که خانواده خود می‌توانند بین ما و او بایستند. ایمان به عیسی می‌تواند منجر به جدا شدن از خانواده زمینی شود. نمونه‌های بی‌شماری در طول تاریخ وجود داشته است که دقیقاً این اتفاق افتاده است. با این حال، برای درک درست سخنان عیسی، من باید نه تنها در مورد خانواده ام بلکه در مورد همه چیزهایی که مرا از خدا جدا می‌کند، فکر کنم. زندگی با خدا می‌تواند به این معنا باشد که باید چنین چیزهایی را کنار بگذارم. همین کار هم آسان نیست! آیا می‌توانم چیزهایی که دوست دارم را ترک کنم تا بتوانم به عیسی تعلق داشته باشم؟ کلام شمشیر در واقع در قلب ما نفوذ کرده و چالش‌های سختی را پیش روی ما قرار می‌دهد. امروز می‌خواهم این را با یک مثال توضیح دهم: یک زن اعتیاد به الکل داشت. در ابتدا حتی متوجه نبود که مشکلی دارد. فقط مرتباً الکل مصرف می‌کرد. اما به تدریج او بیشتر و بیشتر الکل را نیاز داشت. تا سرانجام مجبور شد برای برآوردن نیازش، بی‌وقفه الکل بنوشد. سپس افسردگی و حشمتناکی رخ داد. او می‌دانست که زندگی‌اش خراب شده و با این حال نمی‌توانست آن را ترک کند. راه معالجه او یک مسیر طولانی بود و او به کمک نیاز داشت. تنها زمانی که کاملاً به زمین سقوط کرد، بالاخره آهی کشید: "عیسی کمک کن!" و عیسی همین کار را کرد. به این زن کمک کرد. راه درمان او طولانی و سخت بود. عیسی از همان ابتدا به پیروان خود هشدار می‌دهد که چنین خواهد بود. و این فقط بر معتادان تأثیر نمی‌گذارد، بلکه بر همه ما تأثیر می‌گذارد. زیرا پیروی از عیسی تصمیم ساده‌ای نیست. کسانی که از عیسی پیروی می‌کنند حتی جنگی با شیطان آغاز کرده‌اند. و البته شیطان همه تلاش خود را خواهد کرد تا به مسیحیان آسیب برساند. بنابراین سخنان عیسی همچنین مرکز زندگی ما را مورد هدف قرار داد. ما باید پرسیم: «چه کسی را در واقع در مهمترین مقام قرار داده ایم؟» و اولویت‌های ما در زندگی چیست؟ بنابراین هر کس از عیسی پیروی کند نمی‌تواند کارها را نیمه تمام انجام دهد. کسانی که از عیسی پیروی می‌کنند یک نقطه عطف در زندگی را تجربه می‌کنند که آنها را از بقیه جدا می‌کند. این جدایی جدید نیست بلکه قبلاً در اولین فرمان ثابت شده است. در آنجا خدا نگفت: "من سرور و خدای تو هستم ولی شما همچنین می‌توانید خدایان دیگری در کنار من داشته باشید!" نه، خدا برعکس گفت و بین خود و هر چیز دیگری شمشیری ایجاد کرد و ثابت کرد: "من سرور و خدای تو هستم. تو نباید خدایان دیگر را در کنار من داشته باشی" و عیسی مسیح نگفت: "من راه و حقیقت و زندگی هستم ... اما اگر دوست داشته باشید، می‌توانید راه خود را نیز انتخاب کنید!" کلام شمشیر عیسی به ما نشان می‌دهد که پیروی از او فقط دردناک نیست، همچنین ممکن است که مجبور باشیم چیزی دیگر را ترک کنیم. در همه این مکان‌ها، شمشیر عیسی باید به ما نشان دهد که پیروی از عیسی یک بازی نیست. اعتقاد به خدا و پیروی از عیسی می‌تواند به معنای جدایی اساسی از زندگی قبلی باشد. پیروی از عیسی می‌تواند یک جدایی بنیادین مانند خروج قوم اسرائیل از سرزمین مصر باشد. پیروی عیسی به این معنا است که به یک زندگی کاملاً جدید می‌رسیم. همچنین ممکن است این مسیر یک مسیر بیابانی باشد که باید در آن رنج بکشیم. جایی که ممکن است کسی مورد تحقیر دوستان و خانواده قرار گیرد. حتی می‌تواند به این معنا باشد که ما باید با مرگ روبرو شویم. و سوالی که مطرح می‌شود این است: "چگونه می‌توانید این کار را انجام دهید؟" چگونه می‌توانید

زندگی خود را تغییر دهید؟ و چگونه می توان این سرگردانی کویری را تحمل کرد ، جایی که جز رنج نیست؟ اگر من سخنان عیسی را به درستی درک کنم ، تنها چیزی که او می خواهد انجام دهد این است که شادی و آرامش به ما دهد. همچنین عیسی نمی خواهد که ما زندگی روزمره را ندیده بگیریم. او می خواهد که ما در اینجا روی زمین و در بهشت خوشبخت باشیم. عیسی آرزو های ما را درک می کند. او می داند که ما در اینجا به دنبال شادی و رضایت در زمین هستیم. او می داند که ما نیاز داریم که دوست داشته شویم و شناخته شویم. خود خدا این احساس را در ما خلق کرده است. و بنابراین دنبال کردن زندگی زمینی بد نیست. بد نیست به دنبال خانه ، تحصیل ، یا زندگی بهتر باشید. خدا آن را می خواهد. اما عیسی می داند که اشتیاق ما به زندگی و به رسمیت شناخته شدن یک جنبه منفی نیز دارد. این یک احساس است که می تواند به نیازی غیر طبیعی تبدیل شود. در جستجوی ناشکیبانه ی دوست، ممکن است بهترین دوستانم را از دست بدهم! با اشتیاق به زندگی رضایتمندانه، ما می توانیم به دیگران آسیب بزنیم تا خودمان را بهتر جلوه دهیم. و در پایان تنها می مانیم. تمایل ما برای داشتن یک زندگی شاد و سالم می تواند به یک زندگی خودخواهانه و بخیلانه تبدیل شود. زندگی بدون خدا به این شکل است. این یک جستجوی غیرطبیعی خودمان است و می تواند نتیجه ی متضاد بدهد. دقیقاً آنچه را که بیشتر می خواهیم از دست می دهیم. ما نه تنها خود را از دست می دهیم بلکه خدا را نیز از دست می دهیم. برای درک صحیح عیسی ، باید به پایان جمله های او توجه کنیم. زیرا عیسی می گوید: "هرکس به خاطر من جان خود را از دست بدهد ، آن را خواهد برد!" بنابراین این به هیچ وجه مربوط به باخت ما نیست. برعکس ، عیسی می خواهد که ما پیروز شویم! در نهایت ، پیروی از عیسی به سود ما می شود. در پایان ، عیسی چیزی جز شادی ، و عشق نمی خواهد. و این همان چیزی است که عیسی شخصاً برای ما می خواهد. پیروی از عیسی یک چیز غم انگیز نیست ، بلکه تجربه ای بسیار شاد است که به ما آرامش نیز می بخشد. عیسی نمی خواهد شادی ما را از بین ببرد ، اما می خواهد شادی ما را افزایش دهد. وقتی عیسی نمونه شمشیر را به ما نشان می دهد ، به هیچ وجه نمی خواهد به ما و دیگران با شمشیرش آسیب برساند یا به ما صدمه بزند. او می خواهد ما را نجات دهد. او می خواهد نشان دهد که زندگی واقعی کجاست. و برای انجام این کار لازم است که بین خدا و هر چیزی دیگر به شدت تمایز قائل شویم و این سوال را پرسیم: "چه خواسته ای در من از آدم قدیمی و از گناه من ناشی می شود. و چه آرزویی از جانب خداست؟ «جنگ بین آدم قدیمی و موجود تازه در مسیح می تواند دردناک باشد. خود عیسی این درد را بر بدن خود تحمل کرد. عیسی اساساً و از نظر طبیعت در تضاد کامل با هر شر و شیطان است و ما نتیجه این برخورد شیطان و عیسی را می دانیم. جنگ بین عیسی و شیطان به مرگ بی رحمانه بر روی صلیب منجر شد. شیطان نمیتواند عیسی را تحمل کند. اما عیسی همانطور که تسلیم صلیب می شد و می مرد، دیوارهای بین ما و خدا را نیز خراب کرد. اگر نمی دانم چگونه خود را از شر شیطان خلاص کنم ، تنها کاری که باید انجام دهم این است که به این صلیب نگاه کنم. از این طریق من می توانم معنی عیسی و معنی شیطان را درک کنم. روی صلیب ، تاریکی در قلب خودم را تشخیص می دهم. و نور خدا را نیز می بینم. آنجا روی صلیب است که برای اولین بار متوجه می شوم که هیچ دلیل واحدی برای جدا شدن خودم از این عیسی وجود ندارد. در او و با او من برنده هستم. من زندگی را در او می یابم! آمین